

خبر

پیشنهاد خانه سینما برای تعطیلی موقت فیلم‌سازی

● خانه سینما به گروه‌های فیلم‌سازی پیشنهاد داد که به طور موقت از فعالیت خود خودداری کنند. این نهاد صنفی در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است: «با توجه به شیوع ویروس کرونا، خطر انتقال سریع آن در میان افراد جامعه وجود دارد و پزشکان و متخصصان نیز بارها درباره پرهیز از حضور در محیط‌های عمومی هشدار داده‌اند، به دلیل ناممکن بودن کنترل کامل سطوح، وسایل و ارتباطات، احتمال انتقال بیماری در میان گروه‌های فیلم‌سازی به‌شدت بالاست. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از ابتدای اهالی صنعت تصویر ایران و خانواده‌های‌شان و همچنین پرهیز از مشکلات مرتبط با آنکه قطعا سبب ایجاد مخاطره و صدمات فراوان مادی و معنوی برای نهادهای اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی است، دست‌کم در شرایط فعلی که با شیوع دامنه‌دار بسیاری مواجهیم، گروه‌هایی که در مرحله پیش‌تولید یا فیلم‌برداری قرار دارند، به طور موقت از فعالیت خودداری کنند. بدیهی است که این پیشنهاد از سوی خانه سینما فاقد الزامات قانونی است؛ اما می‌تواند در حد هشدار به تهیه‌کنندگان برای پیشگیری از این بیماری فراگیر و تبدیل آن به بحرانی عمومی در صنعت تصویر ایران تلقی شود».

خرس طلای افتخاری برای هلن میرن

● **هنرآلاین**: هلن میرن- بازیگر کهنه‌کار بریتانیایی، روز گذشته در مراسمی در کاخ برلیناله جایزه خرس طلای افتخاری یک عمر دستاورد این دوره جشنواره را دریافت کرد. این مراسم که با حضور کارلو شاتریان مدیر هنری و مارینه ریسنیک مدیر اجرایی برگزار شد، با نمایش فیلم «ملکه» (۲۰۰۶) به کارگردانی استغنی فریز همراه بود که جایزه اسکار بهترین بازیگر زن را برای او در نقش الیزابت دوم ملکه بریتانیا به همراه داشت. میرن که در لندن به دنیا آمده است، برای «ایستگاه آخر» (۲۰۰۹) نیز نامزد اسکار بهترین بازیگر زن شد و برای فیلم‌های «چون شاه جرج» (۱۹۹۴) و «گاسفورد پارک» (۲۰۱۰) در بخش اسکار بهترین بازیگر زن نقش مکمل شانس دریافت جایزه را داشت. او یک جایزه بقشا، یک جایزه گلدن گلوب، چهار جایزه امی، دو جایزه جشنواره فیلم کن و یک جایزه جشنواره فیلم ونیز را هم در کارنامه دارد او یک جایزه اولیور نیز دریافت کرده است و یکی از جوان‌ترین کسانی بود که به کمپانی رویال شکسپیر پیوست. میرن پیش از دریافت جایزه خرس طلای افتخاری در یک نشست مطبوعاتی شرکت کرد و به پرسش‌های نمایندگان رسانه‌ها پاسخ داد. او در بخشی از این نشست با اشاره به اینکه خود را نه یک ستاره سینما، بلکه یک بازیگر می‌داند، درباره نوع انتخاب نقش‌ها گفت: باید یک راز هولناک را با شما در میان بگذارم که اجازه ندارید به کسی بگویید. فقط باید بین من و شما باشد. قول می‌دهید؟! میرن ادامه داد: وقتی یک فیلم‌نامه را می‌خوانم، اول از همه به صفحه آخر می‌روم تا ببینم شخصیت من در صفحه آخر هست یا نه (خنده حضار). به خودم زحمت نمی‌دهم از صفحه اول بخوانم، مستقیم به صفحه آخر می‌روم. اگر شخصیت من آنجا باشد، نشانه خوبی است. بعد برمی‌گردم و از صفحه اول شروع به خواندن می‌کنم. اگر در صفحه آخر نباشد، ورق می‌زنم تا ببینم آخرین بار کجا بوده است و اگر در یک صحنه شگفت‌انگیز باشد، مثلا یک صحنه خدوکنشی فوق‌العاده دراماتیک که همه دارند گریه می‌کنند و در داستان نقش مهمی دارد، بله، باز برمی‌گردم و از اول شروع به خواندن می‌کنم؛ اما اگر شخصیت ناگهان ناپدید شود و تو متوجه نشوی چرا، چطور، کجا، خواندن فیلم‌نامه از ابتدا فایده‌ای ندارد؛ برای اینکه یک نقش خوب نیست. هفتادمین جشنواره فیلم برلین ۲۰ فوریه (اول اسفند) آغاز شد و تا یکم مارس (۱۱ اسفند) ادامه دارد.

بهناز ششیریانی: «آتابای» تجربه متفاوتی در کارنامه نیکي کریمی است؛ فیلمی که تا پیش از نمایشش در جشنواره فیلم فجر، خبرهای گاه‌وبگاهش درباره چینش بازیگران و محل فیلم‌برداری، تلامت‌سؤال‌ها را برای تازه‌ترین تجربه سینمایی کریمی پررنگ‌تر می‌کرد. هادی حجازی‌فر قصه تازه‌ترین فیلم کریمی را نوشت و نقش اول مرد این فیلم معرفی شد و همین حضورش می‌توانست کنجکاو‌ها را بیشتر کند. در نهایت فیلم در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر دیده شد. «آتابای» نیز در جمله فیلم‌هایی بود که بیشترین واکنش‌ها را از سمت منتقدان متوجه خود کرد؛ از جلسه مطبوعاتی پرنتش آن که بگذریم و بحث چرایی از گویش آذری که واکنش حجازی‌فر را به همراه داشت، برخی سینمایی‌نویسان از این فیلم جز به تحسین سخن نگفتند و برخی دیگر ریزبینانه از کاستی‌هایی صحبت کردند که می‌توانست به غنای فیلم کمک کند. اما بعد از پایان جشنواره، حواشی دست از سر فیلم برنداشت؛ این‌بار حواشی نه از سمت مردم و منتقدان، بلکه از سوی هیئت داورانی مطرح شد که اقرار کردند اشتباهی در داوری مرتکب شده و بازی هادی حجازی‌فر در «آتابای» را ندیده‌اند! به هر تقدیر، «آتابای» تجربه متفاوتی در کارنامه حجازی‌فر محسوب می‌شود؛ اتفاقی که بسیاری را متوجه تبحر او در فیلم‌نامه‌نویسی و حضور در نقش‌های متفاوت‌تر کرده است.

❧ فکر می‌کنم بزرگ‌ترین غافلگیری بعد از دیدن «آتابای»، قصه فیلم بوده؛ فیلم‌نامه‌ای که وضعیت آدم‌هایی را که درگیر احساس متفاوتی هستند، تصویر می‌کند که شاید حس گناه، بارزترین آن است. اساسا تصویرکردن چنین موقعیت مردانه‌ای در فیلم، با توجه به پیشینه‌ای که از نیکي کریمی سراغ داشتیم، بسیار بعید به نظر می‌رسد در نهایت هم می‌توان گفت این فیلم قطعا متفاوت‌ترین فیلم کارنامه نیکي کریمی است. از نگارش این قصه و جالش‌هایی که برای ساخت آن طی شد، بگوئید.

مایلم همین ابتدا خیلی صریح به قسمت پایانی سؤالات پاسخ بدهم؛ چون معتقدم آنچه ممکن است در حالتی بدبینانه از این سؤال و نمونه‌های مشابه تفسیر شود، تقلیل‌دادن غیرمصفانه تلاش و تسلط آگاهانه و حتی ناخودآگاه خاتم کریمی در مقام خالق این اثر باشد. ایایی ندارم از گفتن اینکه آتابای و آنچه دیدید، در نهایت محصول نگاه و تصویر ذهنی و جهان مطبوع ایشان است؛ جهانی که از اول و با همان ایده اولیه ساخته بودند و من در ادامه به‌عنوان اولین نفر به آن اضافه شدم و با اتمام فیلم‌نامه، دوستان دیگر اضافه و حتی حذف شدند. راجع به سؤالات درباره مردانه‌بودن فیلم نیز باید بگویم که اتفاقا معتقدیم با وجود محوریت کاراکتر آتابای، فیلم به‌شدت زنانه است؛ چراکه گذشته، حال و آینده آتابای و مسیر طی‌شده را تقریبا زن‌های قصه ساخته‌اند؛ فرخ‌لقا خواهر آتابای، سیمای هم‌راندکنده‌ای، مادری که مرده و در خواب‌هایش حضور دارد، پاپل، حیران و سیمایی که با آمدنش بهانه تغییر به او می‌دهد. نوشتن آتابای به واسطه کاراکترمحوربودن و فقدان اتفاق‌های عجیب، داستانی بسیار سخت و درعین‌حال لذت‌بخش

❧ لوکیشن در فیلم شما عنصر پیش‌برنده روایت و بازگوکننده درونیات شخصیت‌هاست (انسان‌های تنها و دورافتاده)، با ورود دختر به فیلم، کاربرد و تأثیر لوکیشن بر شخصیت‌ها کم‌کم محو و اصلا گویا فراموش می‌شود و تمرکز داستان بر روابط عاشقانه

●

فراخوان فارابی برای حمایت از فیلم‌های اقتباسی

بنیاد سینمای فارابی تا پایان خرداد ۹۹ حقوق حداقل ۱۰ اثر در گونه‌های مختلف ادبیات داستانی پس از انقلاب را بر اساس جذابیت‌های داستانی و قابلیت اقتباس سینمایی، از صاحب حقوق اثر (مؤلف یا ناشر) خریداری می‌کند. ۲. خریداری حقوق کتاب‌هایی که برنده جوایز معتبر ادبی شده‌اند مانند جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی، جایزه جلال آل‌احمد و سایر جوایز مورد تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اولویت قرار دارند. ۳. تهیه‌کنندگان حرفه‌ای سینما می‌توانند پیشنهادهای خود را به بنیاد سینمایی فارابی ارائه کنند. ۴. حقوق آثاری که برای اقتباس مورد موافقت قرار می‌گیرند، به قیمت مصوب کمیسیون فرهنگی – هنری بنیاد (بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیون ریال) از صاحب قانونی اثر (مؤلف یا ناشر) خریداری می‌شود و برای نگارش فیلم‌نامه در اختیار تهیه‌کننده (پیشنهاددهنده) قرار می‌گیرد. ۵. پس از دریافت پروانه ساخت، ضمن واگذاری حق اقتباس خریداری‌شده به سینمای، از صاحب حقوق اثر (مؤلف یا ناشر) خریداری می‌کند. ۶. تهیه‌کننده پرداخت می‌شود. ۶. بنیاد سینمایی فارابی در تولید آثار با تصویب شورای هماهنگی تولید سازمان سینمایی، تا سقف ۱۰ میلیارد ریال مشارکت خواهد کرد. ۷. فهرست کتاب‌هایی که حقوق اولیه آنها به منظور طراحی و تولید آثار اقتباسی، خریداری شده و می‌شود به همراه فهرست آثاری که حقوق سینمایی آنها در گذشته به وسیله سازمان سینمایی و مؤسسات تابعه، خریداری شده است، برای استفاده از بند ۵ و/ آن فراخوان در نشانی www.eqtebas.ir نیز قابل بهره‌برداری است.



عین‌الله میران

گفت‌وگو با هادی حجازی‌فر

آدم‌های جدا افتاده در کنار هم

بود و زمانی که خط اصلی قصه مشخص شد، کار ما تازه شروع شد؛ نزدیک به یک سال کار فشرده دوفنره، مرور نمایش‌نامه‌های چخوف که علاقه اصلی هر دو ما در حوزه ادبیات نمایشی است، آدم‌های جدا افتاده ولی به کنار هم، زوال یک دوره و آغاز دوره‌ای جدید. آتابای به‌نوعی همان شخصیت دکتر نمایش‌نامه‌های چخوف است؛ دکتر آستروف، دایی وانیا... ببینید تست‌های بی‌شماری درباره کاراکترها و موقعیت‌ها انجام دادیم که در نهایت به نتیجه فعلی رسیدیم، مثلا موقعی که داشتیم کاراکتر یحیی را می‌نوشتیم، خانم کریمی پیشنهادی داد که زمان و انرژی بسیاری از ما برد؛ اینکه آیا می‌شود کاراکتری مثل یحیی عملا گاهی نداشته باشد؛ یعنی کاری نکرده باشد که بخواد موتور محرکه درام اما عامل اصلی بروز ترازدی در زندگی کلی آدم باشد. این موقعیت به‌تنهایی دو ماه وقت از ما گرفت؛

بارها نوشتیم و راضی‌کننده نبود. در نهایت شد آن چیزی که هر دو به‌شدت دوستش داریم؛ کاراکتری که به خاطر درخواهی، دست به گذشت و فداکاری در خفا و تنهایی‌اش می‌زند و به‌جای قدردانی در نهایت متهم اصلی می‌شود و سال‌ها با رازی مخوف زندگی می‌کند. چکیده‌اش می‌شود آن دیالوگ جذاب یحیی که می‌گوید «من باید تقاص بدم برای کاری که نکردم، اما کردم». حافظه عاطفی ما در مقام بازیگر، نویسنده و کارگردان اصلی‌ترین دارایی ماست و مگر می‌شود بدون کنار هم چیدن دریافت‌ها و لحظه‌هایی که در سراسر زندگی و زیست ما پرانگنده شده‌اند، کار و نمونه‌ای قابل باور ارائه کرد؟ همه اینها در کنار تخیل به خلق می‌انجامد. آنچه اشاره شد، در مقام بازیگر هم به من کمک کردند.

❧ لوکیشن در فیلم شما عنصر پیش‌برنده روایت و بازگوکننده درونیات شخصیت‌هاست (انسان‌های تنها و دورافتاده)، با ورود دختر به فیلم، کاربرد و تأثیر لوکیشن بر شخصیت‌ها کم‌کم محو و اصلا گویا فراموش می‌شود و تمرکز داستان بر روابط عاشقانه

●

فرانچایز

ملکه رنجبر، بازیگر باسابقه تئاتر، سینما و تلویزیون، روز پنجشنبه، ۸ اسفند، در ۸۸ سالگی در بیمارستان کسرای تهران از دنیا رفت. ملکه رنجبر، متولد ششم شهریور ۱۳۲۱ در رشت بود. او فرزند عبادالله رنجبر، هنرمند و از اولین پایه‌گذاران تئاتر بود. پدر او به‌خاطر اجرای تئاتری سیاسی به همدان تبعید شد. رنجبر بازیگری را نزد پدر آموخت.

او از شش‌سالگی با ایفای نقش کوزت در نمایش «بنوایان» فعالیت خود را آغاز کرد، سپس در سال ۱۳۴۷ به تهران عزیمت کرد و به ادامه بازیگری در تئاتر سعدی پرداخت.

«برای شرف»، «همسایه مزاحم»، «دزد طبقه اول»، «آرشین مالالان»، «نگشتر مققود»، «بی‌گناه»، «سرگذشت فابریو»، «شب‌نشینی ادامه دارد»، «خروس بی‌محل»، «شکم‌پرست» و «مهرویان اسیر» از دیگر نمایش‌هایی بود که رنجبر در آنها به ایفای نقش پرداخت. او از اوایل دهه ۱۳۳۰ وارد دنیای سینما شد و پیش از انقلاب در بیش از ۱۰ فیلم بازی کرد. او با وقفه‌ای حدوداً ۲۵ ساله به سینما

ایران بازگشت و در فیلم‌هایی مانند «بانی‌چاو»، «مرد بارانی»، «نان، عشق و موتور ۱۰۰۰»، «سوغات فرنگ» و «پسر آدم، دختر حوا» مقابل دوربین رفت. آخرین فیلم او «گناهکاران» (۱۳۹۱) بود. رنجبر از اولین بازیگران زن در بدو تأسیس تلویزیون بود و با اجرای برنامه‌های زنده به همکاری با آن سازمان پرداخت و در سال ۱۳۳۵ کار در رادیو را شروع کرد. او بعد از انقلاب نیز در تلویزیون حضوری بسیار فعال داشت و در سریال‌هایی مانند زیر گنبد کبود، خانه‌به‌خانه، تهران ۱۱–۵۹۵ و ۴۸، داستان یک شهر، سه فصل «زیر آسمان شهر»، آشیرواشی و سایه‌روشن بازی کرد.

رنجبر در چندسال اخیر به دلیل بیماری قلبی،

هنر

بوده است...

بله، بالطبع حضور کارگردانی که تجربه این همه سال بازیگری و حضور در آثار ماندگار و نقش‌های درجیمک را در کارنامه‌اش دارد، نه‌تنها برای من بلکه برای تمام بازیگران قوت قلب و تجربه‌ای متفاوت بود. بازی در چنین نقشی می‌تواند شما را دچار ترس کند؛ ترس از اینکه بار اصلی فیلم و قصه روی دوش تو باشد و ممکن است با کوچک‌ترین اشتباه، رابطه تماشاگر با فیلم از دست برود. همین ترس هم می‌تواند نابودکننده باشد. خدا را شکر در نهایت شد آنچه‌ای که باید می‌شد. رضایت کارکردن و بعد خودم از میزان درست‌بودن و به‌اندازه‌بودن بازی، مهم‌ترین چیز است که اگر این دو نباشند بدون شک اتفاق خوبی نمی‌افتد. از طرفی این را هم نباید فراموش کرد که ما در شرایط بسیار سختی فیلم‌برداری داشتیم. سه ماه پروسه سخت فیلم‌برداری در لوکیشن‌های مختلف خوی که در آن شرایط صبورِی، آرامش و مدیریت درست کارگردان در پیشبرد پروژه خیلی مهم و تأثیرگذار بود.

❧ پیشنهادی از سمت شما برای حضور بازیگری مطرح شد؟

بازیگران محلی که سابقه هم‌بازی‌بودن و کار تئاتر با آنها را داشتیم، به ایشان معرفی کردم. تست‌های مختلفی گرفتند و خدا را شکر چند نفر که برای نقش‌های مهم انتخاب شدند، عالی کار کردند و درخشیدند.

❧ تصور می‌کنم تا پیش از «آتابای»، ذهنیت متفاوتی از شخصیت کاری شما در ذهن بسیاری نقش بسته بود و انتخاب‌هایی که عموما شما را به طیف فکری خاصی محدود می‌کرد، باعث شده بود خیلی نتوان هادی حجازی‌فر را در شمایل متفاوت‌تری تصور کرد. بد نیست کمی درباره انتخاب‌هایی که در سال‌های گذشته از شما در سینما تصویر شد، صحبت کنیم و اینکه تا چه حد سعی داشتید این ذهنیت را کم‌رنگ کنید؟

واقعیتش تجربه بهر برای من مهم‌ترین چیز است. یادگرفتن و بی‌وقفه یادگرفتن. از کارگردان تا بازیگران نقش‌های کوچک. بازیگری برای من همین است و راستش اهمیتی نمی‌دهم که دیگران درباره انتخاب‌هایم چه فکری بکنند. تمام کارهایی را که بازی کرده‌ام، با جان و دل کار کردم و تلاش کردم ارزش افزوده‌ای برای کار و خان‌چیان کنار درخت‌های سنجد به گفت‌وگوی آنها میان پدر و مادرهایشان تفسیر می‌شود. در ادامه داستان هم پیش‌رفتن سریع هر دو کاراکتر آتابای و سیمیا در موضوع عشق، به‌تأمای در طبیعت اتفاق می‌افتد؛ لای یا بدون تجربه کسب کرده‌ام. ولی علاقه‌مندی من به سینما با جهان فیلم‌هایی از نوع آتابای است و امیدوارم باز هم بتوانم تجربه کنم.

❧ جایی از شما خواندم که فیلم‌نامه‌نویسی و البته کارگردانی را جدی‌تر ادامه خواهید داد و شاید به‌زودی شاهد ساخت اولین فیلمتان باشیم. البته ظاهرا باز هم به اقلیمی که در آتابای از آن صحبت کردید، باز خواهید گشت؛ برنامه مشخصی دارید؟ نوشتن و کارگردانی در شرایطی درست و دوست‌داشتنی، آزروی بزرگ من است و مسیر شروع رویاهایم در سینما که امیدوارم امسال محقق شود.

ملکه رنجبر در گذشت

دایات، پارکینسون و مشکل نارسایی حرکتی، به‌دفعات در بیمارستان بستری می‌شد. همچنین عباس عظیمی، مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت، در گفت‌وگو با مهر از شرایط خاصی که در تشییع پیکر این هنرمند پیش‌کسوت وجود دارد و فوت او ربطی به شیوع بیماری کرونا ندارد، توضیح داد و تأکید کرد: «این هنرمند پیش‌کسوت از یک سال پیش به دلیل عمل قلب باز با عوارض جسمانی درگیر بود و سرانجام به دلیل کهولت سن، ظهر پنجشنبه، ۸ اسفند، در بیمارستان کسرا دار فانی را وداع گفت. بر اساس تصمیم خانواده این هنرمند به دلیل رعایت مسائل بهداشتی تصمیم بر این گرفته شده است که آیین خاصی برای مراسم تشییع برگزار نشود». خاک‌سپاری این هنرمند جمعه، ۹ اسفند، در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) انجام شد.

در پی درگذشت ملکه رنجبر، شورای مرکزی انجمن بازیگران سینمای ایران پیام تسلیتی را صادر کرد. در متن این پیام آمده است: «بازگشت همه به سوی خدای مهربان است. بسیار تأسف‌انگیز و اندوه‌بار است که بازیگر پیش‌کسوت دیگری نیز از میان ما رفت. بانو ملکه رنجبر پیش از طی دوران سخت بیماری دعوت حق را لبیک گفت و به آرامشی جاودان پیوست.

شورای مرکزی انجمن بازیگران سینمای ایران درگذشت این هنرمند پیش‌کسوت و دوست‌داشتنی و مهربان را که از قدیمی‌ترین و باسابقه‌ترین بازیگران تئاتر و سینمای کشورمان بودند، به خانواده ایشان، همکاران و هم‌وطنان هنردوست تسلیت عرض می‌نماید. همچنین امیدوار است پس از پشت‌سر گذاشتن شرایط بحرانی فعلی که امکان برپایی اجتماعات فراهم نیست، در اولین فرصت مراسم یادبود و بزرگداشتی درخور جایگاه این هنرمند عزیز برگزار نماید.»

زیر آسمان فیروزهای

«پولانسکی» در مراسم «سزار» شرکت نمی‌کند



● «رومن پولانسکی»، کارگردان لهستانی- فرانسوی که فیلم جدیدش در ۱۲ شاخه جوایز سینمایی «سزار» نامزد دریافت جایزه شده است، اعلام کرد به دلیل نگرانی از واکنش فعالان فمینیستی در مراسم این جایزه شرکت نخواهد کرد. پس از آنکه فیلم «یک افسر و یک جاسوس» به کارگردانی «رومن پولانسکی»، در ۱۲ شاخه از جوایز «سزار» که به اسکار سینمای فرانسه مشهور است، به‌عنوان نامزد اعلام شد، کمپن‌های فمینیستی از این انتخاب انتقاد کردند و معتبرترین جایزه سینمای فرانسه را به حمایت از فردی با اتهام‌های اخلاقی متهم کردند. «پولانسکی» در بیانیه‌ای که در خبرگزاری فرانسه منتشر شده است، اعلام کرد: «چند روز است که مردم از من سؤال می‌کنند آیا در مراسم «سزار» شرکت خواهم کرد یا نه؟ سؤالی که دراین‌بین مطرح می‌شود، این است که: من چطور می‌توانم در این مراسم شرکت کنم؟ ... ما از هم‌اکنون می‌دانیم چه اتفاقاتی در این مراسم رخ خواهد داد... فعالان فمینیستی من را به محاکمه عمومی تهدید کرده‌اند و برخی از آنها ادعا کرده‌اند در خیابان اعتراض خواهند کرد... این وعده‌ها بیشتر شبیه جلسه مذاکره است تا جشن سینمایی که برای جایزه‌دادن به برترین استعدادها برنامه‌ریزی شده است». رومن پولانسکی که در لهستان متولد شده است، در سال ۱۹۹۷ به تجاوز به یک دختر ۱۳ساله در آمریکا متهم شد؛ اما پیش از آغاز دوران محکومیت، به فرانسه گریخت و از آن زمان تاکنون دولت آمریکا در تلاش برای استرداد اوست. چندی پیش نیز همه اعضای هیئت نظارت بر آکادمی «سزار» اعلام کردند به به دلیل انتقادهای واردشده به این جایزه سینمایی برای نامزدکردن فیلم «پولانسکی» در ۱۲ شاخه، استعفا خواهند داد.

اهدای نشان شوالیه به شهاب حسینی



● در مراسمی که روز پنجشنبه، هشتم اسفند، در سفارت فرانسه در تهران برگزار شد، شهاب حسینی، بازیگر، نشان شوالیه وزارت فرهنگ و هنر فرانسه را از قیلبت تیه یو، سفیر این کشور، دریافت کرد. این نشان به خاطر خلاقیت و مشارکت در پیشرفت و گسترش هنر و ادبیات در جهان به هنرمندان اهدا می‌شود. حسینی ۴۶ساله در ۲۰۱۶ برای کار خود در فیلم «فروشنده» به کارگردانی اصغر فرهادی در جشنواره کن جایزه بهترین بازیگر مرد را گرفت. پیش‌ازاین نشان شوالیه به تعداد دیگری از هنرمندان ایرانی مانند آیدین آغداشلو، شهرام ناظری، محمود دولت‌آبادی، عباس کیارستمی، لیلی گلستان، اصغر فرهادی، علیرضا سمیع‌آذر و داریوش مهرجویی تعلق گرفته بود.

فیلم «کیارستمی و عصای گمشده» به جشنواره شیلی می‌رود

● فیلم بلند «کیارستمی و عصای گمشده» به کارگردانی محمودرضا تانی و تهیه‌کنندگی بهروز نشان در بخش مسابقه جشنواره فیلم «سانتیاگو» در شیلی معروف به کشور آتشفشان‌ها رقابت می‌کند. جشنواره فیلم سانتیاگوی شیلی دوره ششم خود را از تاریخ ۱۵ تا ۱۸ اسفند مصادف با ۵ تا ۸ مارس ۲۰۲۰ برگزار می‌کند. این جشنواره فضایی برای برقراری ارتباط بین فیلم‌سازان با تولیدکنندگان در صنعت سینما است و هدف آن خدمت به سینما و سکوی پرتابی برای فیلم‌سازان جوان و همچنین فیلم‌سازان باتجربه برای ایجاد کیفیت و تنوع است. هیئت داوران این رویداد سینمایی از متخصصان سینمای جهان، تلویزیون، ارتباطات و... تشکیل شده است. «کیارستمی و عصای گمشده» ساخته محمودرضا تانی پیش‌ازاین و عصای گمشده» ساخته محمودرضا تانی پیش‌ازاین در جشنواره‌های «سالتو»، «اوراسیا در روسیه»، «کوهستان سبزه» و «تدیس طلایی» در آمریکا روی پرده رفته و موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از روی جشنواره‌ها و تدیس طلایی شد. «کیارستمی و عصای گمشده» به مدت زمان ۹۰ دقیقه، روایتی از نوع نگاه کیارستمی به زندگی و سینما است که تانی در مدت چهار سال و زمانی که کیارستمی کارگاه‌های آموزشی سینمایی در اسپانیا و کلمبیا برگزار می‌کرد، تلاش کرده است پیش یک مؤلف، دیدگاه و جهان‌بینی او را به تصویر بکشد. محمودرضا تانی پیش از ساخت فیلم بلند «کیارستمی و عصای گمشده»، کتاب عباس کیارستمی و درس‌هایی از سینما را تألیف کرده که این کتاب به زبان‌های مختلف ترجمه و در ایران و آمریکا چاپ و توزیع شده است.